

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه با تکیه بر آموزه‌های فقه عبادی

مهدی مردانی گلستانی

نویسنده مسئول، استادیار، پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی،

مشهد، ایران. رایانامه: mahdi_mardani@islamic-rf.ir

چکیده

واژه «سیره» از پرکاربردترین مفاهیم اسلامی است که در حوزه‌های مختلف به‌ویژه فقه شیعه کارایی دارد. فقیهان شیعه به تناسب بهره‌گیری از منابع استنباط، از این واژه دینی استفاده کرده، به‌عنوان دلیل یا قرینه حکم شرعی بدان استناد کرده‌اند. اما پرسش اصلی آن است که استفاده فقها از واژه سیره به‌صورت محدود و موردی بوده یا به‌گونه‌ای گسترده و در تراز یک اصطلاح علمی رخ داده است؟ پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا به روش کتابخانه‌ای و از طریق بررسی کاربرد واژه «سیره» در متون فقه عبادی، میزان استفاده فقیهان شیعه از این واژه را نشان دهد. برای این منظور با استفاده از نرم‌افزار جامع فقه اهل‌بیت (ع) و جست‌وجوی کلیدواژه «سیره» در کتب فقه استدلالی، آثار فقهی قرون پنجم تا پانزدهم هجری در موضوع عبادات بررسی شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد واژه سیره در ادبیات فقیهان شیعه دو دوره متفاوت داشته است: نخست، دوره‌ای که بهره‌گیری از واژه سیره به شکل محدود و اندک انجام می‌گرفت و دوم، دوره‌ای که استاد به سیره افزایش یافته، در سطح یک اصطلاح فقهی گسترش پیدا کرد. این تطور، متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن‌ها باور به کارآمدی سیره در فقه شیعه است؛ عاملی که در نهایت به تثبیت جایگاه سیره در ادبیات فقیهان شیعه و ارتقای جایگاه آن از یک واژه دینی به یک اصطلاحی علمی انجامید.

کلیدواژه‌ها: سیره معصوم، فقه العباده، منابع استنباط، رویکرد فقیهان.

مقدمه

بررسی پیشینه واژگان دینی و تحلیل کاربردهای آن‌ها در متون مختلف، از مسائل بنیادین در پژوهش‌های دینی است. یکی از واژه‌های پرکاربرد در متون اسلامی واژه «سیره» است که در حوزه‌های گوناگون، از جمله فقه شیعه کاربرد داشته است. فقیهان شیعه، متناسب با بهره‌گیری از منابع استنباط از این واژه استفاده کرده و آن را به‌عنوان دلیل یا قرینه کشف حکم شرعی مورد استناد قرار داده‌اند. با این حال، آنچه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، گستره بهره‌گیری فقیهان شیعه از این منبع دینی است؛ به عبارتی، این پرسش اصلی مطرح است که استفاده فقیهان شیعه از سیره، محدود و گزینشی بوده یا آنکه به گونه‌ای گسترده و مسوط بهره گرفته اند؟ مقاله حاضر در پی آن است که به روش کتابخانه‌ای و از طریق بررسی کاربرد واژه «سیره»^۱ در منابع فقهی، میزان بهره‌گیری فقیهان شیعه از این واژه را روشن سازد و دلایل رونق یا رکود بهره‌گیری فقیهان از سیره را تبیین نماید. بدین منظور، با جست‌وجوی کلیدواژه «سیره» در بخش کتب فقه استدلالی نرم‌افزار جامع فقه اهل‌بیت، ۴۸۷ عنوان کتاب فقهی در موضوع عبادات به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید و داده‌های به دست آمده بر پایه مجموعه‌ای از پرسش‌ها تحلیل و ارزیابی شد.

با در نظر گرفتن مسئله، دامنه و روش تحقیق، اثر جامع و مستقلی در این باره به دست نیامد؛ تنها

۱. با توجه به گستردگی کتب فقهی شیعه، بررسی تک‌تک این منابع برای یافتن موارد بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» عملی نیست. بنابراین، با استفاده از فهرستی از کلیدواژه‌های مرتبط، موارد کاربرد واژه «سیره» در متون فقهی شیعه شناسایی و استخراج گردید. در این فرایند، به ترکیب واژه «سیره» با القاب معصومان و نیز پسوندها و پیشوندهای رایج، توجه ویژه‌ای صورت گرفت؛ چنان‌که واژه‌های «السیره» و «سیره» به‌صورت ترکیب منفصل با کلمات «الإمام، الأئمه، المعصوم، اهل‌البیت، المعصومین، امیرالمومنین، رسول‌الله، الرسول، النبی و النبویه» به کار برده شد (مانند سیره & النبی) و واژه‌های «بسیره»، «سیرته»، «سیرتهم»، «للسیره»، «بالسیره»، به‌صورت مستقل جستجو گردید. البته استفاده فقهای شیعه از سیره معصوم، محدود به واژه «سیره» نیست و برخی از ایشان بدون التزام به این واژه نیز از رفتار معصومان بهره گرفته اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، الخلاف، ج ۲، ص ۳۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ج ۴، ص ۳۲۸)؛ لکن کاربست واژه «سیره» در متون فقهی شیعه، نشان دهنده قدرتمتین بهره‌گیری فقها و - تا حد زیادی - گستره کارایی این منبع دینی است.

در برخی آثار منتشره، نمونه‌هایی از تعامل فقها با سیره معصوم ارائه گردیده است؛ چنانکه منصور داداش‌نژاد و مرضیه سادات هاشمی در مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله» ضمن بررسی استنادات محقق حلی به سیره نبوی، روش فقه‌پژوهی وی در استنباط از سیره را ارزیابی کرده‌اند و راضیه امینی، فتاح فتاحی و انانی، مصطفی بیگدلی و مهران خادم در رساله‌های دکتری خود با عنوان مشابه «تحلیل رویکرد عملی فقیهان امامیه در مواجهه با سنت فعلی» به بررسی آرای فقیهان شیعه در ابواب مختلف فقهی پرداخته‌اند. لیکن هیچ‌یک از آثار یادشده به تبیین بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» نپرداخته و بسامد و گستره آن را در فقه عبادات بررسی نکرده است. علاوه بر آنکه تحلیل دلایل رویکرد حداقلی یا حداکثری فقها به سیره معصوم و نیز تبیین چرایی فراز و فرود بهره‌گیری فقیهان شیعه از سیره معصوم از جمله امتیازات این مقاله است.

1. مفهوم شناسی

کلمه «بسامد» واژه‌ای فارسی است که در علوم مختلف از جمله زبان‌شناسی، آمار و تحلیل محتوا کاربرد دارد. معنای اصلی «بسامد» تعداد تکرار یا فراوانی وقوع یک واژه، مفهوم یا پدیده در یک متن یا مجموعه داده است؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «بسامد واژه سیره در فقه شیعه»؛ یعنی چند بار و در چه اندازه، فقها از واژه «سیره» در آثار خود استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر مفهوم «بسامد» برابر است با تعداد کاربرد به اضافه میزان رواج یک واژه در متون مورد بررسی.

منظور از «فقه عبادی» آن دسته از آموزه‌های فقهی است که مربوط به بخش عبادات می‌شود؛ یعنی اعمالی که به قصد به دست آوردن منفعت یا دفع کردن ضرر اخروی انجام شود. این مسائل که در ده باب ارائه شده است، عبارتند از: ۱) کتاب طهارت، ۲) کتاب صلاة، ۳) کتاب صوم، ۴) کتاب اعتکاف، ۵) کتاب زکات، ۶) کتاب خمس، ۷) کتاب حج، ۸) کتاب عمره، ۹) کتاب جهاد و ۱۰) کتاب امر به معروف و نهی از منکر.

واژه «سیره» به جهت هیئت کلمه، مصدر نوعی از ماده «سیر» و به معنای نوع رفتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹) و به جهت ماده کلمه، به معنای رفتن و حرکت کردن است

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲). در واقع، واژه «سیره» دو بخش معنایی دارد: یکی «حرکت و جریان» که از ماده کلمه اخذ می‌شود و دیگری «سبک و نوع حرکت» که از هیئت کلمه به دست می‌آید؛ اما برای شناخت معنای اصطلاحی «سیره» باید به کتب فقهی شیعه مراجعه کرد و با بررسی استعمالات آن در دو سطح «عناوین» و «متون» به بررسی مفهوم سیره پرداخت.

یکی از سطوح کاربرد واژه سیره، «عناوین» ابواب و کتب فقهی است. چه، عناوینی که صاحبان آثار برای کتاب‌های خود بر می‌گزینند، حاوی اطلاعات ارزشمندی است که در ابعاد مختلف متن‌شناسی از جمله مفهوم‌شناسی به کار می‌آید. برای مثال، سید مرتضی (۴۳۶ق) برای نمایاندن مضمون فصلی که به بیان سطوح عملی حج می‌پردازد، از واژه سیره استفاده کرده و آن را «فصل فی سیره الحج و ترتیب أفعاله» نامیده است (سید مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷)؛ ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق) در بیان طریقه جهاد کردن از عنوان سیره استفاده کرده و بخشی از کتاب خود را با عبارت «فصل فی سیره الجهاد» نام نهاده است (حلبی، بی تا، ص ۲۴۷)؛ شیخ طوسی (۴۶۰ق) نام بعضی از فصول آثار فقهی خود را «کتاب الجهاد و سیره الإمام» گذاشته و به بیان وظایف شرعی امام معصوم^{علیه‌السلام} در هنگامه جهاد پرداخته است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲)؛ و قطب راوندی (۵۷۳ق) یکی از ابواب کتاب الجهاد را «باب حکم المحاربین و السیره فیهم» نام گذاری کرده است (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶۵).^۱

«متون فقهی» سطح دیگری از کاربرد واژه سیره است که به شناخت مفهوم اصطلاحی سیره کمک می‌کند. در این خصوص، مطالعه مصادیق مورد استناد فقها، شیوه‌ای است که اطلاعات مفهوم‌شناسانه مهمی را در اختیار قرار می‌دهد؛ این مصادیق اگرچه به صورت مستقیم در کتب فقهی نیامده است؛ اما پی‌جویی آنها در منابع کهن تا حدودی مقصود فقیهان از مفهوم سیره را نشان می‌دهد. برای مثال، محقق حلبی (۶۷۶ق) برای تعریف انفال و تعیین قلمرو آن، به سیره پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} استناد کرده

۱. شایان ذکر است که جستجوی واژه «سیره» در کتب اصولی شیعه آورده‌ای نداشته است؛ زیرا این تعبیر در کتب اصول فقه بیشتر برای «سیره عقلاء» یا «سیره مشرعه» اصطلاح شده است، (موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۶۴).

است (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۳). پی‌جویی روایت موردنظر در منابع روایی شیعه نشان می‌دهد که منظور ایشان از سیره، فعل مستمر حضرت در اخذ غنائم فاخر بوده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۵۱۰). همچنین، علامه حلی (۷۲۶ق) در مسئله عدم جواز اخذ غنیمت از اموال اهل بغی به سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام استناد کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۰۴). بررسی مصداق موردنظر از سیره حضرت نشان می‌دهد که منظور علامه از سیره، سبک رفتاری امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مواجهه با اصحاب جمل بوده است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۲۴). نمونه آخر، دیدگاه صاحب جواهر در خصوص جواز جداسازی زکات از اموال مردم است. ایشان با استناد به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام قائل به جواز جداسازی اموال توسط مالک شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۴۱۶). مطالعه مصداق موردنظر حکایت از آن دارد که منظور ایشان از سیره، رفتار مستمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ارسال کارگزاران منصوب بوده است (محدث بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۲۲).

با توجه به مصادیق کاربردی واژه سیره در متون فقهی شیعه چنین به دست می‌آید که واژه سیره در ادبیات فقیهان شیعه بر سه ویژگی «فعل»، «استمرار» و «تشریح» تکیه دارد و به معنای رفتار مستمری است که در حوزه تشریح صادر شده باشد.

۲. ادوار کاربرد واژه «سیره»

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره»، دو دوره متفاوت را پشت سر گذاشته است. یکی سده ۵ تا ۱۲ هجری و دیگری سده ۱۳ تا ۱۵ هجری.^۱ دوره نخست، بر بهره‌گیری محدود از واژه «سیره» تأکید دارد، در حالی که دوره دوم، از سیره به طور گسترده‌تر بهره‌برداری می‌کند. البته داوری درباره حداقلی یا حداکثری بودن بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» نیازمند معیاری است که این فراز و فرود تاریخی را نشان دهد. برای این منظور «شمار فقیهان شیعه» و «تعداد کاربرد واژه سیره» دو شاخصی

۱. شایان ذکر است که دامنه زمانی این تحقیق، بین قرون پنجم تا پانزدهم هجری است و از شیخ طوسی (۴۶۰ق) تا آیت الله خوئی (۱۴۱۳ق) را در بر می‌گیرد.

است که در ارزیابی سیر تاریخی کاربرد واژه «سیره» مورد توجه قرار گرفت و در تعیین میزان بهره‌گیری فقها از آن استفاده شد.

۲-۱. دوره رکود

نخستین دوره از بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، به صورت حداقلی انجام می‌شود. گواه این امر، شمار اندک فقها و دامنه کوچک استناداتی است که در این دوره به واژه «سیره» صورت می‌گیرد. چه، تعداد فقیهانی که در سده‌های ۵ تا ۱۲ هجری از واژه «سیره» بهره گرفته‌اند، بسیار کمتر از شمار فقیهان شیعه در سده‌های بعدی است و شمار استناداتی که در این دوره به واژه «سیره» انجام شده، بسیار کمتر از شمار استناداتی است که در سده‌های پسین صورت گرفته است؛ چنان که از مجموع ۳۵ فقیهی که از واژه «سیره» استفاده کرده‌اند، تنها ۶ نفر در این دوره حضور داشته‌اند و از مجموع ۱۰۹ مرتبه استنادی که به واژه «سیره» صورت گرفته، تنها ۱۲ مرتبه (۱۱ درصد) آن در این دوره اتفاق افتاده است.

۲-۱-۱. دوره سکوت

استنباط از سیره معصوم در قرون آغازین فعالیت فقیهان شیعه (یعنی قرون ۵ و ۶ هجری)، جایگاه پررنگی ندارد و فقیهانی مانند ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، شیخ مفید (۴۱۳ق)، قطب‌الدین راوندی (۵۷۰ق)، ابن زهره (۵۸۵ق) و ابن ادریس حلی (۵۹۸ق) عملاً اهتمام چندانی به بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» نشان نمی‌دهند. تنها برخی فقها مانند ابن ابی‌عقیل (۳۲۹ق) (عمانی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۱) و شیخ طوسی (۴۶۰ق) (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، الخلاف، ج ۱، ص ۳۲۶) شیخ طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ج ۴، ص ۳۲۸) بدون آن که به صراحت از واژه «سیره» استفاده کنند، در مباحثی مانند آداب سجده، کیفیت طواف و تقسیم مبیعت بین زنان از «افعال» معصومان برای استنباط آموزه‌های فقه عبادی بهره می‌برند.

۲-۱-۲. اقدام آغازین

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» در قرن هفتم هجری و با محقق حلی (۶۷۶ق) آغاز می‌شود. این، بدین معناست که سیره معصوم در دو سده آغازین عصر غیبت هنوز جایگاه اصلی خود را پیدا

نکرده و به‌عنوان یکی از منابع استنباط شناخته نمی‌شود. برای نمونه، محقق حلی در کتاب *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام* و سپس در کتاب *المعتبر في شرح المختصر* با کار بست واژه «سیره»، از سیره معصوم به‌عنوان یکی از ادله استنباط احکام فقهی بهره می‌گیرد. برای نمونه، وی در کتاب *الجهاد*، موضوع «تصرف در اموال اهل بغی» از سیره امیرالمؤمنین استفاده می‌کند. در این بحث، او از سیره امام علی علیه‌السلام برای تقویت نظریه جواز تصرف در اموال شورشیان که در دست لشکر قرار گرفته، استفاده کرده و آن را دیدگاه «أظهر» معرفی می‌کند. (محقق حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸)

۲-۱-۳. دوره تثبیت

در سده هشتم هجری، دو تن از فقیهان نامور شیعه، از واژه «سیره» برای استنباط آموزه‌های فقه عبادی بهره می‌گیرند. نخست علامه حلی (۷۲۶ق) در کتاب *منتهی المطلب في تحقيق المذهب* و نیز کتاب *تذكرة الفقهاء* سیره معصوم را به‌عنوان یکی از منابع اجتهاد معرفی می‌کند و سپس شهید اول (۷۸۶ق) در کتاب *الدروس الشرعية* به بهره‌گیری فقهی از سیره پرداخته و در مقام استنباط، از واژه «سیره» استفاده می‌کند.

برای نمونه، علامه حلی در کتاب *الجهاد*، بحث «تصرف در اموال اهل بغی» برای اثبات حرمت تصرف در اموال شورشیان از سیره امام علی علیه‌السلام استفاده می‌کند. او با این استدلال که امام علی علیه‌السلام در جنگ‌های خود با شورشیان مسلمان (مانند جنگ جمل) اموال آنان را غنیمت نگرفت و اجازه تقسیم آن‌ها را نداد، به عدم جواز تصرف در اموال ایشان فتوا می‌دهد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۰۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۲۴). همچنین، شهید اول در موضوع تصرف در اموال اهل بغی به سیره امام علی علیه‌السلام در جنگ جمل و نحوه برخورد ایشان با اهل بصره استناد می‌کند و حرمت تصرف در اموال شورشیان را استفاده می‌کند. وی چنین نتیجه می‌گیرد که اموال باغیان نباید تقسیم شود، زیرا این اقدام برخلاف رویه امام علی علیه‌السلام در جنگ جمل بوده و با موازین اسلامی مطابقت ندارد (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۳۴).

۲-۱-۴. دوره افول

علی‌رغم پیدایش رویکرد فقهی به سیره معصومان، فقیهان شیعه در قرن نهم هجری مانند فاضل مقداد

(۸۲۶ق)، ابن فهد حلی (۸۴۱ق) و ابن ابی جمهور احسانی (زنده در ۹۰۴ق)، اهتمام چندانی بدین منبع نشان ندادند و از واژه «سیره» در فرایند استنباط احکام شرعی بهره نگرفتند.

۲-۱-۵. احیای دوباره

پس از آنکه فقیهان شیعه در قرن نهم هجری از به کارگیری واژه «سیره» دور ماندند، در قرن دهم هجری دو فقیه برجسته شیعه بار دیگر به بهره گیری از این واژه روی آوردند. چنان که محقق اردبیلی (۹۹۳ق) در کتاب *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان* و شهید ثانی (۹۶۶ق) در شماری از آثار خود همچون کتاب *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، کتاب *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، و کتاب *صلاة الجمعة* با بهره گیری از واژه «سیره» به استنباط آموزه های فقه عبادی پرداختند. این دو فقیه با احیای نقش واژه «سیره» در تبیین احکام شرعی، در حقیقت راه را برای استمرار بهره گیری فقهی از سیره هموار ساختند.

برای نمونه، محقق اردبیلی در کتاب *الجهاد*، بحث مالکیت زمین های موات و در پاسخ به این سؤال که آیا در زمان غیبت، احیای زمین های موات (زمین های بدون مالک و آبادانی) موجب مالکیت شخص احیاکننده می شود یا خیر؟ از سیره اهل بیت علیهم السلام استفاده می کند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۸۰). شهید ثانی (۹۶۶ق) در سه موضوع مختلف به واژه «سیره» استناد کرده و با بهره گیری از رفتار ایشان به استنباط آموزه های فقه عبادی می پردازد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۰۸؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۲۷). برای نمونه، وی در کتاب *الصلاحه*، در موضوع «شرط اذن امام برای اقامه نماز جمعه»، با استناد به سیره امام علی علیه السلام در زمان خلافت، آن را دلیلی بر عدم وجوب اذن امام علیه السلام می شمارد (شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

۲-۱-۶. افول مجدد

قرن یازدهم هجری شاهد حضور فقیهان نامداری همچون سید محمد موسوی عاملی معروف به صاحب مدارک (۱۰۰۹ق)، حسن بن زین الدین عاملی معروف به صاحب معالم (۱۰۱۱ق)، محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰ق)، محقق سبزواری (۱۰۹۰ق) و فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) است. با این حال، بررسی

آثار فقهی این دوره نشان می‌دهد که بهره‌گیری مستقیم از واژه «سیره» در فرآیند استنباط، نسبت به برخی دوره‌های پیشین، کم فروغ است.

۲-۱-۲. تجدید حیات

پس از آنکه بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» در سده یازدهم هجری دچار رکود می‌شود، در قرن دوازدهم هجری محدث بحرانی (۱۱۸۶ق) در برخی کتب خود مانند *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة* و کتاب *الأنوار الحیریه و الأقمار البدریه الأحمديه* بار دیگر بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» را احیا می‌کند. برای نمونه، محدث بحرانی در کتاب الزکاة، درباره حکم دریافت زکات توسط امام معصوم یا نائب وی، از سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیر المومنین علیه‌السلام استفاده کرده و قائل به وجوب شده است (محدث بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۲۳).

۲-۲. دوره رونق

دومین دوره از بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» با اقبال فزاینده فقیهان شیعه روبه‌رو می‌شود و استفاده ایشان از واژه «سیره» به شکل چشم‌گیری گسترش می‌یابد. نشانه روشن این تغییر، افزایش تعداد فقیهان شیعه و کثرت استنادات آنان به واژه «سیره» است؛ چنان‌که از میان ۳۵ فقیهی که در قرن ۱۳ تا ۱۵ هجری به واژه «سیره» استناد کرده‌اند، ۲۹ نفر متعلق به این دوره‌اند و از مجموع ۱۰۹ مرتبه استنادی که به واژه «سیره» صورت گرفته، ۹۷ مورد (۸۹ درصد) آن در این مقطع تاریخی رخ داده است.

۲-۲-۱. نقطه عطف

قرن سیزدهم هجری را می‌توان نقطه عطف بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» دانست، زیرا استفاده فقهی از واژه «سیره» در این قرن نسبت به سده پیشین رشد فزاینده‌ای داشته و از یک نفر به نه نفر ارتقا یافته است؛ چنان‌که بزرگانی همچون سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ق)، سید جواد عاملی صاحب *مفتاح الکرامه* (۱۲۲۶ق)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۸ق)، سید علی طباطبایی معروف به صاحب ریاض (۱۲۳۱ق)، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق) و محمدحسن نجفی صاحب *جواهر* (۱۲۶۶ق) از آن جمله‌اند.

سید بحر العلوم (۱۲۱۲ق) از نخستین فقیهان شیعه در قرن سیزدهم است که به واژه «سیره» توجه نشان داده است. وی در کتاب *مصاییح الأحکام*، در مباحثی از کتاب الطهاره همچون «جواز ورود جنب به مشاهد مشرفه» و «طهارت آب چاه متنجس»، از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، وی در موضوع ملاقات آب چاه با نجاست، با بهره‌گیری از سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حکم به طهارت آن داده و کشیدن آب چاه را به‌عنوان یک عمل مستحب مطرح کرده است (بحر العلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۴۵).

میرزای قمی (۱۲۳۱ق) از دیگر فقیهان قرن سیزدهم است که در کتاب *غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام* در موضوعاتی از کتاب الجهاد همچون «تصرف در اموال اهل بغی» و کتاب الخمس مانند «مصرف خمس در زمان غیبت» از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، وی در باب «مصرف خمس در زمان غیبت» با استناد به واژه «سیره» این نظر را ترجیح می‌دهد که خمس در زمان غیبت باید برای فقرا بنی‌هاشم مصرف شود (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۹۲).

محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) جزو آخرین فقیهان شیعه در قرن سیزدهم است که از سیره برای استنباط حکم شرعی کمک گرفته است. وی در کتاب *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* قریب به شش مرتبه در موضوعاتی نظیر «جواز تولیت صاحب مال در مصرف زکات»، «حکم به طهارت مخالفان اهل بیت»، «وجوب کفایی جهاد»، و «تصرف در اموال اهل بغی» از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، وی در کتاب الطهاره در مورد طهارت مخالفان اهل بیت به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمومنین علیه‌السلام استناد کرده و اشاره می‌کند که اگر نجاست اعتقادی مخالفان حق صحیح بود، باید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام از هرگونه تماس، مباشرت و هم‌زیستی با آنان اجتناب می‌کردند. اما سیره عملی ایشان نشان می‌دهد که چنین پرهیزی در کار نبوده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۵۹).

۲-۲-۲. دوره شکوفایی

قرن چهاردهم هجری عصر شکوفایی بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» است. در این سده، استفاده

فقهی از واژه «سیره» به اوج خود می‌رسد و شمار فقیهان شیعه و میزان استنادات ایشان به واژه «سیره» به طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ چنان‌که شمار فقیهان شیعه به ۱۴ نفر می‌رسد و شمار استنادات ایشان به سیره، بالغ بر ۴۱ مرتبه می‌شود. در این قرن بزرگانی همچون: آقا رضا همدانی (۱۳۲۲ق)، آقا ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ق)، محمدحسین اصفهانی (۱۳۶۱ق)، سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ق)، سید محمد محقق داماد (۱۳۸۸ق)، سید محسن حکیم (۱۳۹۰) و سید هادی میلانی (۱۳۹۵ق) حضور داشته و از سیره برای استنباط احکام شرعی استفاده کرده‌اند.

آقا رضا همدانی (۱۳۲۲ق) جزو نخستین فقیهان شیعه در قرن چهاردهم است که به بهره‌گیری فقهی از سیره توجه نشان داده است. وی در کتاب *مصباح الفقیه* در مباحثی همچون «کفایت امتثال امر در عبادات»، «وقت فضیلت نماز عصر»، «موارد جواز ترک اذان»، «عدم وجوب زکات بر کافر بعد اسلام» و «حمل به صحت اعمال مخالفان اهل بیت» از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، وی در کتاب *الصلوة* بحث کیفیت نیت در عبادات، به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا جزم به نیت در صحت عبادت شرط است یا اینکه می‌توان عبادت را با نوعی تردید انجام داد. در این زمینه، نویسنده به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام اشاره می‌کند و بیان می‌کند که در روش آنها برای آموزش احکام شرعی، چنین مسائلی (لزوم جزم به نیت) مطرح نبوده است، بلکه روش معمول در زمان آنها این بوده که امتثال اوامر شرعی همانند امتثال اوامر عرفی در جامعه انجام شود (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۷۵).

سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ق) از دیگر فقیهان بزرگ شیعه در قرن چهاردهم است که اهتمام ویژه‌ای به واژه «سیره» داشته و در موارد متعدد از آن بهره گرفته است. ایشان در سه کتاب *التقریر* (۳ مرتبه)، *البدن الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر* (۲ مرتبه) و *تبیان الصلاة* (۲ مرتبه) در موضوعاتی مانند «تفریق نوافل وارده در وقت واحد»، «جهر در قرائت نماز جمعه»، «اختصار در نافله ظهر و عصر»، «اقامه نماز جمعه توسط امام یا نائب وی»، «ارائه خطبه نماز جمعه در حال قیام»، «خواندن نماز نافله در وقت فرائض»، و «تفریق بین نافله‌های ظهر و عصر» از واژه «سیره»

استفاده کرده است. برای نمونه، ایشان در کتاب الصلاة بحث «جهر در نماز جمعه» به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد کرده و آن را دلیل بر وجوب جهر قرائت در نماز جمعه دانسته است (بروجردی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۷۷).

۲-۲-۳. استمرار حرکت پیشین

در ادامه روند رو به رشد بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، قرن پانزدهم هجری نیز نقش مؤثری در تداوم رویکرد یاد شده داشته و شمار زیادی از فقیهان شیعه به این اصطلاح توجه نشان داده‌اند. چنان‌که بزرگانی همچون سید محمدباقر صدر (۱۴۰۰ق)، سید احمد خوانساری (۱۴۰۵ق)، شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ق)، شیخ علی کاشف الغطاء (۱۴۱۱ق)، میرزا هاشم آملی (۱۴۱۳ق) و سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) از جمله فقیهان حاضر در این عصر بوده‌اند که به بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» پرداخته‌اند.

سید احمد خوانساری (۱۴۰۵ق) از نخستین فقیهان شیعه در قرن پانزدهم است که در کتاب جامع *المداړك في شرح مختصر النافع* در موضوعاتی چون: «عدم اجتناب از نجس در شبهه غیر محصوره»، «شرایط وجوب امر به معروف» به بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» پرداخته است. برای نمونه، وی در کتاب الزکاه بحث «اوصاف مستحقین زکات» به بررسی شرط عدالت می‌پردازد و بر پایه واژه «سیره» به عدم لزوم آن رأی می‌دهد (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷).

شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ق) فقیه شیعه در قرن پانزدهم هجری، در فرایند استنباط آموزه‌های فقه عبادی، سیره معصوم را به‌عنوان یکی از منابع استنباط مورد توجه قرار داده است. وی در دو اثر *صلاة الجمعة و شرح العروة الوثقی*، مباحثی همچون «تقدیم خطبه بر نماز جمعه» و «اکفایت شهادتین در اسلام کافر» را بر اساس واژه «سیره» بررسی کرده است. برای نمونه، ایشان در کتاب الصلاة بحث «لزوم تقدیم خطبه بر نماز جمعه» به ادله‌ای استناد کرده که نخستین آنها، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله است (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۹).

سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) در میان فقیهان قرن پانزدهم هجری بیشترین میزان استفاده از واژه

«سیره» را داشته است. وی در آثار متعدد خویش مانند *موسوعة الإمام الخوئي، التنقيح في شرح العروة الوثقى، المستند في شرح العروة الوثقى، فقه الشيعة و مباني تكملة المنهاج*، بالغ بر ۱۵ مرتبه از واژه «سیره» استفاده کرده و در موضوعاتی مانند: «جواز ترک اذان نماز عصر»، «استحباب نماز میت به جماعت»، «حکم سلام مردان بر زنان نا محرم»، «شرط اذن امام در وجوب نماز جمعه»، تعداد نوافل یومیه»، «حکم مسح سر از بالا به پایین»، «لزوم اظهار شهادتین در اسلام کافر»، «عدم تکلیف کافر به فروع»، «تصرف در اموال اهل بغی» به بهره گیری فقهی از آن پرداخته است. برای نمونه، ایشان در کتاب *الصلوة برای اثبات مشروعیت* «به جماعت خواندن نماز میت» از واژه «سیره» کمک گرفته و حکم به استحباب آن داده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۰۷).

با توجه به مجموع استنباطات فقیهان شیعه به واژه سیره، از میان ابواب مختلف فقه عبادی، سه موضوع طهارت با ۳۷ درصد، صلاه با ۲۴ درصد و جهاد با ۱۰ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۳. ادله فراز و فرود واژه «سیره»

یکی از مسائل کلیدی در هر تحقیق، سؤال از چرایی پدیده‌ها و بی‌جویی دلیل وقوع آنهاست. با توجه به فراز و فرود بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره»، لازم است تا با تمرکز بر نقاط عطف این جریان علمی و طرح پرسش‌هایی بنیادین، دلایل رویکرد حداقلی یا حداکثری فقها به سیره معصوم تحلیل شود، مانند اینکه: ۱) چرا قرن پنجم و ششم هجری - علی‌رغم حضور برخی فقیهان نامدار شیعه همچون شیخ طوسی - از استناد فقهی به واژه «سیره» تهی است؟ ۲) چرا آغاز استناد به سیره در قرن هفتم و با محقق حلی صورت گرفت؟ ۳) چرا توجه فقیهان شیعه به واژه «سیره» در قرن سیزدهم رونق گرفت؟ ۴) چرا بهره‌گیری برخی از فقها - مانند شیخ انصاری - از واژه «سیره» اندک و برخی دیگر - مانند محقق بهبهانی - کالعدم بوده است؟ ۵) چرا سید ابوالقاسم خویی بیشترین سهم را در استناد به واژه «سیره» دارد؟

۳-۱. دلایل رکود

گفته شد که بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» در قرون پنجم و ششم هجری چندان برجسته نبود و فقیهان شیعه در عمل اهتمام چندانی به این تعبیر نشان ندادند. برای دستیابی به علت این پدیده، گردآوری و تحلیل برخی اطلاعات زمینه‌ای ضروری می‌نماید؛ از جمله اینکه چه فقیهانی در این دو قرن می‌زیسته‌اند، مهم‌ترین آثار فقهی آنان چه بوده است، چه اصطلاحات مشابهی را به جای سیره به کار گرفته‌اند و این مسئله در کتب اصولی ایشان چطور انعکاس یافته است؟ از این رو باید افزود که قرن پنجم هجری هم‌زمان با حضور فقیهانی همچون شیخ مفید (۴۱۳ق)، سید مرتضی (۴۳۶ق)، ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق)، سلار دیلمی (۴۶۳ق)، ابن براج (۴۸۱ق) است و قرن ششم هجری مصادف با دوره فقیهانی همچون: فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق)، قطب راوندی (۵۷۳ق)، ابن زهره (۵۸۵ق) و ابن ادریس حلبی (۵۹۸ق) است.

۳-۱-۱. عدم رواج «سیره» به عنوان اصطلاح علمی

نتیجه بررسی آثار فقیهان شیعه در قرون پنجم و ششم هجری نشان می‌دهد که واژه «سیره» در قرون یاد شده به عنوان اصطلاحی علمی رواج نداشته است و فقیهان شیعه برای بیان احکام مرتبط با سیره معصومان، از تعابیر جایگزین مانند «فعل» بهره می‌برده‌اند؛ چنان که بهره‌گیری فقیهانی مانند سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۴؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۵۸؛ سید مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۷)، شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، الخلاف، ج ۳، ص ۵۲۹ و ج ۲، ص ۶۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ج ۱، ص ۲۱۶، ج ۲، ص ۸ و ۱۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۸) و ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۷)، از کلماتی همچون «فعل النبی» و نیز اختصاص فصلی مستقل به بحث «افعال»^۱ در آثار اصولی خود، از جمله شواهد گویای این امر است.

۳-۱-۲. ابتکار عمل شخصی در بهره‌گیری از سیره

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» در قرن هفتم و با محقق حلبی آغاز می‌شود. تأخیر بیش از دو

۱. چنان که سید مرتضی در کتاب الذریعة إلى أصول الشریعة (ج ۲، ص ۸۸) و شیخ طوسی در کتاب العدة فی أصول الفقه (ج ۲، ص ۵۶۴) بابتی با عنوان «الكلام فی الأفعال» گشوده و به بررسی خصوصیات افعال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته‌اند.

سده در بهره‌گیری از واژه «سیره» و نیز شروع این حرکت علمی با محقق حلی (۶۷۶ق.)، از جمله سؤالاتی است که شایسته بررسی و علت‌یابی است. لکن پیش از تحلیل دلیل این پدیده، باید یادآور شد که مقصود از عدم بهره‌گیری از واژه «سیره» در متون فقهی شیعه، به کار نرفتن این واژه در کتاب‌های «فقه استدلالی» است؛ آثاری که در دوران غیبت کبری نگاشته شده و در آنها برای اثبات یا رد دیدگاهی فقهی به «سیره» استناد نشده است والا، کاربرد واژه «سیره» در متون روایی شیعه امری رایج بوده و حتی در برخی از کتاب‌های فقه مآثور نیز مورد استفاده قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۶).

بر این اساس، محقق حلی نخستین فقیهی است که واژه «سیره» را به‌عنوان یک اصطلاح علمی وارد ادبیات فقه شیعه کرده. در این خصوص، نکاتی چند حائز اهمیت است؛ از جمله اینکه محقق حلی در دو مورد با لفظ «سیره» از رفتار معصوم یاد می‌کند و برای تأیید دیدگاه خویش بدان استناد می‌جوید؛ یکی در موضوع «تصرف در اموال اهل بخی» که به سیره امیرالمؤمنین استناد می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸) و دیگری در بحث «اقسام انفال» که با بهره‌گیری از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، «اموال اختصاصی پادشاهان» را نیز منطبق به معصوم می‌شمارد (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۳). با این همه، وی در اکثر موارد (بالغ بر هفت مرتبه) برای استناد به سیره معصوم از لفظ «فعل» استفاده می‌کند؛ برای نمونه، در موضوعاتی نظیر: آداب وضو (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۵)، لباس نمازگزار (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۳)، و قرائت نماز (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۳) به فعل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله استناد کرده و بر پایه آن استدلال می‌کند. او همچنین در باب پنجم از کتاب اصولی خویش بنام معارج الأصول (محقق حلی، بی‌تا، ص ۱۷۰)، به بررسی افعال النبوی می‌پردازد و مسائلی چون حکم تأسی به فعل النبوی، وجوه افعال النبوی و حکم تعارض بین فعل و قول ایشان را بررسی می‌کند.

از این رو، به نظر می‌رسد که کاربرد اصطلاح «سیره» در مباحث فقهی نیز از ابتکارات محقق حلی و حاصل تدبیر علمی او در دانش فقه است؛ چنان که اصطلاحاتی چون «الأولی» (دیدگاهی

که ترجیح دارد، «الأنسب» (آنچه بیشتر با ادله فقهی هماهنگ است) و «الأشهر» (مشهورتر) نیز برای نخستین بار در کتاب شرایع الإسلام مطرح شد و فقیهان بعدی نیز از آن پیروی کردند (افراخته، ۱۳۹۸، ص ۷۳۷-۷۳۸). به واقع، محقق حلی در بهره‌گیری از اصطلاح جدیدی مانند «سیره» دارای کارنامه و پیشینه‌ای روشن است؛ چنانکه نوآوری در تنظیم و تبویب ابواب فقهی^۱ و تأثیرگذاری در تغییر نظام اعتبارسنجی احادیث^۲ از جمله این سوابق است.

۳-۱-۳. عدم باور به کارآمدی سیره در فقه

نخستین دوره از بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، با کاهش توجه فقیهان شیعه مواجه می‌گردد و بهره‌گیری از سیره به صورت حداقلی انجام می‌شود. این وضعیت نه تنها در قرون آغازین (یعنی قرن پنجم و ششم هجری) رخ می‌دهد، بلکه در قرون نهم و یازدهم نیز تکرار می‌گردد و جریان بهره‌گیری از واژه «سیره» در برهه‌ای از تاریخ متوقف می‌شود^۳؛ حتی با وجود اقبال فقیهان شیعه به واژه «سیره» در سده سیزدهم به بعد، برخی از ایشان به صورت محدود^۴ و برخی دیگر بدون استناد به واژه «سیره»، به استنباط احکام می‌پردازند.^۵ دلیل این امر را می‌توان در «عدم باور به کارآمدی سیره در فقه»

۱. به گفته مدرس طباطبایی، محقق حلی ساختاری منسجم و منطقی از فقه شیعه ارائه داد و آن را از پراکندگی درآورد. وی برای نخستین بار در کتاب شرایع، مسائل فقهی را در چهار بخش عبادات، معاملات، عقود و احکام تنظیم نمود که فقیهان بعدی نیز از او پیروی کردند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۲۱).

۲. چنان که علامه حلی و ابن داود حلی که از مروّجان مکتب حدیثی حله به شمار می‌آیند، از شاگردان محقق حلی بوده و بیشترین تأثیر را از وی پذیرفتند. (حسین‌پوری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵) همچنین، نخستین نشانه‌های تغییر رویکرد فقها در ارزیابی احادیث از «متن محوری» به «سندمحوری»، در آثار محقق حلی آشکار گردید. (حسین‌پوری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۱ و ۲۷۲).

۳. در این مقطع، بزرگانی چون فاضل مقداد و ابن فهد حلی در قرن نهم و عالمانی مانند موسوی عاملی، شیخ بهایی، محمدتقی مجلسی، محقق سبزواری و فیض کاشانی در قرن یازدهم می‌زیسته‌اند.

۴. چنان که آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و آقا ضیاء الدین عراقی در قرن چهاردهم تنها یک مرتبه به سیره معصوم استناد کرده‌اند.

۵. برای نمونه فاضل آبی از قرن هفتم، محقق کرکی از قرن دهم، فیض کاشانی از قرن یازدهم و محمدباقر بهبهانی از قرن

خلاصه کرد؛ زیرا بررسی آرای کسانی که سهم اندکی در بهره‌گیری از سیره دارند، نشان می‌دهد آنان عموماً بر مبانی و باورهایی تکیه دارند که نتیجه آن، بی‌اعتنایی به سیره معصوم به‌عنوان منبعی دینی است؛ باورهایی نظیر:

- ۱- پیروی از مکتب اصولی در برابر مکتب اخباری (قیصری، ۱۳۹۹، ج ۷، ص ۲۱)؛
 - ۲- عدم نقش‌آفرینی سیره در جایگاه یک منبع مستقل دینی (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷)؛
 - ۳- محدودیت دلالت سیره بر حکمی فراتر از اباحه (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳).
- علاوه بر آنکه، برخی از ایشان، آرای خود درباره سنت فعلی را در کتب اصول فقه نیز تبیین کرده‌اند؛ اینان با رویکردی حداقلی، کارکرد دلالتی فعل را به چالش کشیده و با تقسیم افعال معصوم به تشریحی و غیر تشریحی، در امکان استنباط از فعل معصوم تردیدهای جدی وارد ساخته‌اند (نراقی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۳۷).

۲-۳. دلایل رونق

دومین دوره از بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، با اقبال فزاینده فقیهان شیعه روبه‌رو می‌شود و بهره‌گیری آنان از سیره به‌طور چشم‌گیری گسترش می‌یابد. در این میان، قرن سیزدهم هجری به‌دلیل افزایش قابل توجه استنادات فقهی به واژه «سیره»، در مقایسه با سده‌های پیشین نقطه عطف این جریان به‌شمار می‌رود. در این سده، بزرگانی همچون سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ق)، سید جواد عاملی (۱۲۲۶ق)، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (۱۲۲۸ق)، سید علی طباطبائی (۱۲۳۱ق)، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق) و محمدحسن نجفی (۱۲۶۶ق) می‌زیسته‌اند.

۱-۲-۳. تغییر نگرش نسبت به کارایی فعل معصوم

با توجه به حضور فقیهان یاد شده در قرن سیزدهم، دلیل این رونق علمی را می‌باید در مبانی و آرای آنان دنبال کرد. برای نمونه، «تبیین و تشریح مسائل مربوط به فعل معصوم» از جمله عواملی است که موجب افزایش جایگاه سیره در استنباط آموزه‌های فقه عبادی و زمینه‌ساز بهره‌گیری بیشتر فقها

از آن گردید؛ چنانکه وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق) در *الفوائد الحائریة*، ملاً مهدی نراقی (۱۲۰۹ق) در *تجربید الأصول*، میرزای قمی (۱۲۳۱ق) در *القوانین المحکمة* و محمدحسین حائری اصفهانی (۱۲۵۴ق) در *الفصول الغرویة*، از جمله فقیهانی هستند که با طرح و تبیین مسائل زیر، زمینه رونق مباحث مربوط به فعل معصوم و در نتیجه، خروج سیره از انزوای علمی را فراهم کردند: ۱- قلمرو حجیت فعل معصوم، ۲- گستره دلالت فعل معصوم، ۳- امکان تعارض بین افعال معصوم، ۴- تقریر معصوم، ۵- امکان نسخ و تخصیص با فعل، ۶- اصل تشریح در فعل معصوم، و ۷- وجوه فعل معصوم (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۵-۳۱۹؛ نراقی، ۱۳۸۴ق، ص ۶۷-۷۱؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ص ۵۵۰-۵۶۷؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۱۳-۳۱۶).

۳-۲-۲. تثبیت جایگاه سیره به عنوان منبعی دینی

در میان فقیهان شیعه، سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) بیش از دیگران از واژه «سیره» استفاده کرده است. وی در آثار متعدد خویش بالغ بر ۱۵ مرتبه به واژه «سیره» استناد کرده است. بعد از ایشان، سید محمد محقق داماد (۱۳۸۸ق) با نه مرتبه و سید حسین پروچردی (۱۳۸۰ق) با هفت مرتبه استناد در جایگاه بعدی قرار دارند. تفاوت چشم گیر در میزان استنادات خویی به واژه «سیره» در مقایسه با دیگر فقیهان شیعه، بیش از هر امری، ناشی از نگاه مبنایی وی به سیره به عنوان یک منبع معتبر دینی است. هرچند در سنت فقهی شیعه، سیره معصوم معمولاً ذیل عنوان «سنت» و به مثابه مؤید و شاهد در استنباط مطرح بوده است، اما خویی با بهره گیری مکرر و گسترده از آن، عملاً بر استقلال و کارآمدی سیره در فرایند اجتهاد تأکید ورزید. از این منظر، کثرت ارجاعات او را نه صرفاً به مثابه یک امر آماری، بلکه باید نشانه‌ای از تلاش وی برای تثبیت جایگاه سیره در هندسه ادله اجتهادی دانست؛ تلاشی که در قیاس با رویکرد فقیهانی همچون محقق داماد و سید محسن حکیم، آشکارتر و برجسته‌تر جلوه می‌کند.

نتیجه گیری

بهره گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» دو دوره متفاوت داشته است: یکی سده ۵ تا ۱۲ هجری و

دیگری سده ۱۳ تا ۱۵ هجری. دوره نخست، با کاهش اقبال فقیهان شیعه مواجه می‌گردد و استفاده فقهی از سیره به صورت حداقلی انجام می‌شود؛ اما دوره دوم، با اقبال فزاینده فقیهان شیعه روبه‌رو می‌شود و استفاده ایشان از واژه «سیره» به شکل چشم‌گیری گسترش می‌یابد. این امر در نه موضوع کلان و ۵۹ موضوع خرد از آموزه‌های فقه عبادی صورت می‌گیرد که از آن میان، سه موضوع طهارة با ۲۲ مورد (۳۷ درصد)، صلاة با ۱۴ مورد (۲۴ درصد) و جهاد با ۶ مورد (۱۰ درصد) به ترتیب، بیشترین فراوانی را به جهت میزان استناد به واژه سیره داشته است. این رخداد، متأثر از مجموعه عواملی است که مهمترین آن «باور به کارآمدی سیره در فقه» است. عاملی که در نهایت به تثبیت جایگاه سیره در ادبیات فقیهان شیعه و ارتقاء جایگاه آن از یک واژه دینی به یک اصطلاحی علمی می‌انجامد.

پیش از انتشار (ناوبر استه)

جدول موضوعات فقه عبادی

ردیف	موضوع کلان	موضوع خرد	تعداد	درصد
۱	کتاب الصلاة	اتحاد خطیب و امام جمعه	۲۲	%۳۷
۲		اختصار نوافل ظهر و عصر		
۳		اختفات در نماز ظهر و عصر		
۴		اذن امام در وجوب نماز جمعه		
۵		ارائه خطبه نماز جمعه در حال قیام		
۶		استعاذه قبل قرائت نماز		
۷		امامت نماز جمعه		
۸		ترک نوافل به خاطر فرائض		
۹		تعداد نوافل یومیه		
۱۰		تفریق بین نوافل		
۱۱		تقلیم خطبه بر نماز جمعه		
۱۲		چهر در قرائت نماز جمعه		
۱۳		خواندن نماز میت به جماعت		
۱۴		خواندن نماز نافله در وقت فرائض		
۱۵		صلوات در تشهد نماز		
۱۶		عبادت در مکان‌های عمومی		
۱۷		فهم و عمل به قرآن		
۱۸		فوریت جواب سلام در نماز		
۱۹		موارد ترک اذان نماز		
۲۰		کیفیت نیت		
۲۱		وجوب نماز جمعه		
۲۲		وقت فضیلت نماز عصر		
۲۳	کتاب الطهارة	استعمال ظروف طلا و نقره	۱۴	%۲۴
۲۴		تعداد کفن میت		
۲۵		طهارت آب چاه		
۲۶		طهارت اشاعره		
۲۷		طهارت غیر امامیه		
۲۸		طهارت مخالفان اهل بیت		

		طهارت ولد الزنا		۲۹
		عدم مباشرت در وضو		۳۰
		غسل میت غیر مؤمن		۳۱
		کفایت شهادتین در اسلام کافر		۳۲
		مسح سر از بالا به پایین		۳۳
		نجاست در شبهه غیر محصوره		۳۴
		نجاست غلات و مفوضه		۳۵
		ورود جنب به مشاهد مشرفه		۳۶
%۱۰	۶	اراضی مفتوحه عنوه	کتاب الجهاد	۳۷
		اراضی مفتوحه غیر عنوه		۳۸
		اموال اهل بغی		۳۹
		تقسیم غنیمت		۴۰
		جهاد ابتدایی با کفار		۴۱
		وجوب کفای جهاد		۴۲
%۸	۵	تسلیم زکات به امام یا نائب	کتاب الزکاة	۴۳
		تکلیف زکات کفار بعد اسلام		۴۴
		تولی صاحب مال در مصرف زکات		۴۵
		شرایط مستحقین زکات		۴۶
		نحوه انتخاب نصاب زکات حیوان		۴۷
%۷	۴	اخبار حلیت خمس	کتاب الخمس	۴۸
		اقسام انفال		۴۹
		تعلق خمس به معدن قبل تصفیه		۵۰
		مصرف خمس در زمان غیبت		۵۱
%۷	۴	ترتیب اعمال در روز قربانی	کتاب الحج	۵۲
		ترجیح حلق بر تقصیر در حج		۵۳
		غسل قبل رمی جمرات		۵۴
		فضیلت اقامه نماز ظهر در منی		۵۵
%۳	۲	قضاء عبادت کافر بعد اسلام	کتاب الصوم	۵۶
		عدم تکلیف کافر به فروع		۵۷
%۲	۱	محرمات اعتکاف	کتاب الإعتکاف	۵۸
%۲	۱	شرایط وجوب امر به معروف	کتاب الأمر بالمعروف	۵۹

فهرست منابع

١. ابن بابويه، محمد بن علي. (١٤١٣ق). كتاب من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه.
٢. ابن زهره، حمزه بن علي. (١٤١٧ق). غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
٣. اردبيلي، احمد بن محمد. (١٤٠٣ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤. افرخته، محمد حسين. (١٣٩٨ش). «شرايع الاسلام». دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنياد دايرة المعارف اسلامي.
٥. بحر العلوم، سيد مهدي. (١٤٢٧ق). مصابيح الأحكام. قم: منشورات ميثم التمار.
٦. بروجردي، حسين. (١٤٢٨ق). هدية التقرير. قم: مركز فقه أئمة أطهار.
٧. حائري اصفهاني، محمد حسين. (١٤٠٤ق). الفصول الغرورية في الأصول الفقهية. قم: دار احياء العلوم الاسلاميه.
٨. حائري يزدي، مرتضى. (١٤١٨ق). صلاة الجمعة. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
٩. حر عاملي، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق). تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت.
١٠. حسين پوري، امين. (١٣٩٠ش). انديشه شناسي محدثان حله. قم: دار الحديث.
١١. حلي، تقى بن نجم. (بى تا). الكافي في الفقه. اصفهان: كتابخانه عمومي امام اميرالمومنين عليه السلام.
١٢. خوانساري، سيد احمد. (١٤٠٥ق). جامع الملهارك في شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعيليان.
١٣. خويي، سيد ابوالقاسم. (١٤١٨ق). موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي.
١٤. راغب اصفهاني، حسين بن محمد. (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. بيروت: دار الشامية.
١٥. راوندي، سعيد بن هبه الله. (١٤٠٥ق). فقه القرآن. قم: كتابخانه عمومي حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى.
١٦. سيد مرتضى، علي بن الحسين. (١٤١٥ق). الإنتصار. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
١٧. سيد مرتضى، علي بن الحسين. (١٣٨٧ش). جمل العلم و العمل. نجف اشرف: مطبعة الآداب.

- ١٨ . سيد مرتضى، على بن الحسين . (١٤٠٥ق). رسائل الشريف المرتضى . قم: دار القرآن الكريم .
- ١٩ . سيد مرتضى، على بن الحسين . (١٤١٧ق). مسائل الناصريات . تهران: مديرية الترجمة و النشر .
- ٢٠ . شهيد اول، محمد بن مكى . (١٤١٧ق). الدروس الشرعية في الفقه الإمامية . قم: دفتر انتشارات اسلامى .
- ٢١ . شهيد ثاني، زين الدين بن على . (١٤١٠ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية . قم: كتابفروشى داورى .
- ٢٢ . شهيد ثاني، زين الدين بن على . (١٤٢١ق). رسائل الشهيد الثاني . قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى .
- ٢٣ . شهيد ثاني، زين الدين بن على . (١٤١٣ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام . قم: مؤسسة المعارف الإسلامية .
- ٢٤ . شيخ طوسى، محمد بن حسن . (١٣٨٧ش). الخلاف . تهران: مكتبة المرتضوية .
- ٢٥ . شيخ طوسى، محمد بن حسن . (١٣٨٧ش). المبسوط في فقه الإمامية . تهران: مكتبة المرتضوية .
- ٢٦ . شيخ طوسى، محمد بن حسن . (١٤١٠ق). المؤلف من المختلف بين أئمة السلف . مشهد: مجمع البحوث الإسلامية .
- ٢٧ . شيخ طوسى، محمد بن حسن . (١٣٦٥ش). تهذيب الأحكام . تهران: دار الكتب الإسلامية .
- ٢٨ . علامه حلى، حسن بن يوسف . (١٤١٤ق). تذكرة الفقهاء . قم: مؤسسه آل البيت .
- ٢٩ . علامه حلى، حسن بن يوسف . (١٤١٢ق). منتهى المطلب في تحقيق المذهب . مشهد: مجمع البحوث الإسلامية .
- ٣٠ . عمانى، حسن بن على . (١٤١٣ق). حياة ابن أبي عقيل و فقهه . قم: مركز معجم فقهى .
- ٣١ . فيروزآبادى، محمد بن يعقوب . (١٤١٥ق). القاموس المحيط . بيروت: دار الكتب العلمية .
- ٣٢ . قيسرى، احسان . (١٣٩٩ش). «اخباريان» . دايرة المعارف بزرك اسلامى . تهران: مركز دايرة المعارف بزرك اسلامى .
- ٣٣ . محدث بحراني، يوسف بن احمد . (١٣٦٣ش). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة . قم: مؤسسة النشر الإسلامية .
- ٣٤ . محقق حلى، جعفر بن حسن . (١٤٠٧ق). المعتمدين في شرح المختصر . قم: مؤسسه سيد الشهداء .
- ٣٥ . محقق حلى، جعفر بن حسن . (١٤٠٨ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام . قم: مؤسسه

اسماعیلیان.

۳۶. محقق حلی، جعفر بن حسن. (بی تا). معارج الأصول. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۷. مدرس طباطبائی، سیدحسین. (۱۳۶۸ش). مقدمه‌ای بر فقه شیعه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۸. مردانی گلستانی، مهدی. (۱۳۹۸ش). توسعه استنباط از فعل معصوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۹. موسوی قزوینی، علی. (۱۴۲۷ق). تعلیقه علی معالم الأصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۱. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق). القوانين الحکمة فی الأصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
۴۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. نراقی، محمدمهدی. (۱۴۳۳ق). التیس المجتهدین. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۴۴. نراقی، محمدمهدی. (۱۳۸۴ش). تجرید الأصول. قم: سید مرتضی.
۴۵. وحید بهبهانی، محمداقرا. (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائریة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۴۶. همدانی، آقا رضا. (۱۴۱۶ق). مصباح الفقیه. قم: مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث.

دفتر انتشارات ناویر استه